



۱. ۲۴۳۲

۸۷/۱/۱۰۰۷۰۲

۸۷/۱/۱۴



دانشکده حقوق

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بشر

موضوع:

مجازات اعدام و حقوق بشر

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر امیر نیکپی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی

استاد داور:

جناب آقای دکتر باقر شاملو

دانشجو:

زینب شکفت

تابستان ۱۳۸۷

۱۰۶۴۳۴

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

۱۳۸۷ / ۱۰ / ۴

تقدیم به پدر، مادر و همسر عزیزم

که در تمام گام های تحصیل حامی

و

همراهم بودند.

لازم می دانم که در ابتدا از زحمات بی دریغ و بزرگووارانه استاد عزیزم جناب آقای دکتر امیر نیک پی، که در تمام مراحل این پایان نامه با تشویق و راهنمایی های ارزنده خود، همراه و روشن گر راهم بودند، تشکر کنم. همچنین بخاطر ارشاد و زحمات استاد خوبم، جناب آقای دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، مراتب سپاس و امتنان خود را ابراز می دارم.

امیدوارم که پژوهش حاضر به عنوان گامی در جهت توسعه و بسط فرهنگ احترام به حقوق و حیات انسانی، بتواند نقش ناچیزی را ایفا نماید.

نام خانوادگی: شکفت

نام: زینب

دانشکده: حقوق شهید بهشتی رشته تحصیلی: حقوق بشر

نام استاد راهنما: دکتر امیر نیک پی

عنوان پایان‌نامه: مجازات اعدام و حقوق بشر

تاریخ فراغت:

چکیده

در شرایط دوران پس از جنگ جهانی دوم، همچنین با ظهور و گسترش حقوق بشر در عرصه گیتی بحث احترام به منزلت ذاتی بشر و به دنبال آن حق حیات به عنوان یکی از بنیادی ترین حقوق بشر سرعت زیادی به خود می گیرد. یکی از مصادیق احترام و پیشرفت در ترویج حق حیات، بحث لغو مجازات اعدام می باشد. در زمان حاضر رویه اکثر کشورهای جهان نشانگر نوعی جهت گیری به سمت لغو مجازات اعدام می باشد. علی رغم این موضوع لغو اعدام همچنان محل مناقشه است. برخی از کشورها به دلیل ترس از بالا رفتن میزان جرائم مستوجب مرگ همچنان لغو آن را امر درستی نمی دانند و همچنین کشورهای اسلامی مجازات اعدام و اعمال آن را بر مبنای احکام و شریعت اسلامی توجیه می کنند و به این ترتیب هنوز تعدادی از کشورها در جهان با اتکا به این مطلب که کشورهایی که مجازات اعدام را لغو نموده اند به لحاظ پیشینه فرهنگی و تاریخی آمادگی این کار را داشته اند، اما در کشورهای ما هنوز چنین آمادگی وجود ندارد، مجازات اعدام را اعمال می نمایند. دلایل فراوانی در رد و توجیه مجازات اعدام بیان شده است که به نظر می رسد دلایل مبنی بر رد مجازات اعدام با توجه به احترام به منزلت ذاتی بشر و حق حیات انسانی قابل توجیه باشد.

در رابطه با بحث لغو اعدام نیز در میان مسلمانان دیدگاه های بسیاری وجود دارد که همگی دال بر امکان لغو مجازات مرگ در دنیای اسلام می باشند. همچنین با مراجعه به پیشینه فرهنگی و سوابق تاریخی کشورهای پیشرو در لغو مجازات مرگ می توان مشاهده نمود که چنین سابقه ای مبنی بر امکان لغو اعدام در این کشورها در طول تاریخ به ندرت قابل رؤیت است.

در آخر به نظر می رسد که هدف اصلی از حرکت به سمت لغو مجازات اعدام، ترویج و گسترش فرهنگ حیات و در نتیجه احترام بیش تر و مؤثر به کرامت ذاتی انسان در جهان می باشد.

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱.....	مقدمه
بخش اول: بررسی دیدگاه اندیشمندان در مورد مجازات اعدام	
۱۰.....	فصل اول: بررسی دیدگاه اندیشمندان غربی
۱۱.....	مبحث اول: اندیشمندان مخالف اعدام
۲۳.....	مبحث دوم: اندیشمندان موافق اعدام
۳۰.....	فصل دوم: بررسی دیدگاه اندیشمندان شرقی
۳۰.....	مبحث اول: مخالفت با اعدام
۶۳.....	مبحث دوم: موافقت با اعدام
بخش دوم: بررسی روند لغو مجازات اعدام در کشور انگلستان	
۹۳.....	فصل اول: مجازات مرگ و تاریخ روند لغو آن در انگلستان
۹۳.....	مبحث اول: مجازات مرگ و جرائم مستوجب مرگ
۱۰۰.....	مبحث دوم: کیفر مرگ و نهادهای حکومتی
۱۰۶.....	مبحث سوم: کیفر مرگ و عموم مردم
۱۱۳.....	فصل دوم: مذاکرات نمایندگان پارلمان انگلستان در مورد مجازات اعدام
۱۱۳.....	مبحث اول: مذاکرات مجلس عوام
۱۳۵.....	مبحث دوم: مذاکرات در مجلس اعیان
۱۵۰.....	نتیجه گیری
۱۵۹.....	فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

۱- تعریف مسأله و طرح موضوع

در قرون اخیر پیشرفت در زمینه حقوق بشر تا بدان حد بوده است که جامعه بشری را بر آن داشته است تا در توجیه بسیاری از پدیده های پیرامون خود، بشر و حقوق بشر را محور توجه قرار دهد؛ حقوق بشر در این معنا به مثابه حقوقی است که مقوم ذات انسان هستند و نادیده انگاشتن آن به مثابه نادیده انگاشتن انسان خواهد بود.

بحث مجازات های انسانی، بخش عمده ای از دغدغه های حقوق بشری را به خود اختصاص داده است چه اینکه در یک سوی آن دولت و در سوی دیگر آن شهروندان قرار دارند و در این راستا هر لحظه ممکن است دولت از قوه قهریه ای که در اختیار دارد در جهت نقض منزلت و حقوق ذاتی طرف ضعیف تر یعنی متهم یا محکوم سوء استفاده نماید.

در این میان مجازات اعدام و توجیه آن از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد. این مجازات، تحمیل قانونی مجازات مرگ در حقوق مدرن و یک مجازات بدنی در شدیدترین نوع خود محسوب می شود. پیشینه مجازات اعدام لاقلاً به ابتدای تاریخ مضبوط باز می گردد. بیشتر اطلاعات تاریخی و همچنین رویه های گوناگون قبایل بدوی نشانگر آنست که مجازات اعدام بخشی از سیستم عدالت قضایی آنان بوده است. قدیمی ترین اسناد تاریخی در بردارنده مدارکی دال بر وجود آن هستند. ما سابقه آن را در قانون حمورابی می توانیم مشاهده کنیم که در آن برای

جرائم معینی مانند هم جنس گرایی، قتل، رابطه با حیوانات، تجاوز به عنف و ... مجازات اعدام تعیین شده بود.^۱

امروزه در بیشتر کشورهای که مجازات اعدام اجرا می گردد، این مجازات به عنوان تنبیهی برای جلوگیری از قتل عمد، خیانت و جاسوسی و یا به عنوان بخشی از عدالت نظامی به کار می رود. در برخی کشورها جرائم جنسی مانند تجاوز به عنف، زنا و لواط و نیز جرائم مذهبی مانند ارتداد مستحق مجازات اعدام هستند. در برخی دیگر از کشورهای اعمال کننده اعدام، قاچاق مواد مخدر نیز به عنوان یک جرم مستحق اعدام در نظر گرفته می شود.

مجازات اعدام به روش های متعددی اجرا می گردد که برخی از آنها عبارت از: گردن زدن، استفاده از صندلی الکتریکی، جوخه آتش، شکیک گلوله، اتاق گاز، به دار آویختن و تزریق آمپول های کشنده، هستند.^۲

در طول قرون وسطی خشونت در اعمال مجازات خصیصه مجازات اعدام بود. پس از این دوره نیز بسیاری از متفکرین بزرگ رنسانس و اصلاح گرایان از مشروعیت مجازات اعدام دفاع می کردند.^۳ با این وجود باید دانست که اعدام از زمان های دور مخالفین خود را داشته است. جنبش لغو مجازات اعدام، الگوی خود را با جرم شناس ایتالیایی، سزار بکاریا مستقر می کند.

در نیمه دوم قرن بیستم با برهه ای مواجه هستیم که در آن حقوق کیفری توجه خاصی را به سمت متهم و محکوم معطوف می کند. «در این دوره مجازات ها نسبت به اوایل سده پیش تلطیف شده اند؛ چنانکه جامعه و افکار عمومی با رؤیت مجازات های شدید و برخورد خشن با مظنون، متهم و بزه کار تحریک می شود و چنین رفتارهایی را با مجرمان بر نمی تابد. روان شناسی اجتماعی نیز در این جوامع تلطیف شده است؛ به طوری که مجازات مجرم را تنها با رعایت کرامت انسانی وی مجاز می داند. امروزه جوامع بشری می خواهند که عدالت کیفری متهم و بزه کار را به دشمن جامعه تبدیل نکند، بلکه او را متنبه و آگاه از خطای ارتكابی سازد.»^۴

^۱ - William A. Schabas, *The abolition of the death penalty in international law*, third edition, Cambridge University Press, 2002, p 27.

^۲ - *Capital Punishment*, available at www.wikipedia.org/Capital_Punishment, p 1.

^۳ - Evans, Richard J., *Rituals of Retribution, capital punishment in Germany 1600-1987*, Oxford: Clarendon Press, 1996, p 27.

^۴ - نجفی ابرند آبادی، علی حسین، *به دنبال عدالت کیفری کرامت مدار*، ویژه نامه همایش قوه قضائیه و حقوق شهروندی، اداره کل امور اجتماعی و فرهنگی قوه قضائیه، تهران، ۱۳۸۶، صفحه ۹.

واقعیت آنست که پس از جنگ جهانی دوم، با سوءاستفاده های وحشتناکی که در رابطه با مجازات مرگ صورت گرفته بود و زمینه بعد از جنگ، متخصصین بین المللی بر آن شدند تا تلاش های خود را جهت محدودیت کامل و حتی لغو این مجازات مصروف دارند. مطالعه هنجاری بین المللی در رابطه با لغو اعدام، با اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر سال ۱۹۴۸ آغاز می شود.^۱ بررسی مجازات مرگ به رغم سکوت آن در اعلامیه، نقطه مرکزی مذاکرات صادرکنندگان اعلامیه در مورد حق حیات بود. اما در آن زمان مجازات مرگ تقریباً به طور جهانی اعمال می شد و لذا ما شاهد آن هستیم که رویه سازمان ملل متحد و روند اسناد و معاهدات حقوق بشری نشان دهنده سیری تدریجی و تکاملی است. سازمان ملل رویه خود را از محدودیت شدید در اجرای مجازات اعدام آغاز می کند و هم اکنون به سمت لغو کامل اعدام در حال پیشروی است؛ زیرا بند ۲ از ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب سال ۱۹۶۶ بیان می دارد: «در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده است، صدور حکم جایز نیست مگر در مورد مهم ترین جنایات طبق قانون لازم الاجرا در زمان ارتکاب جنایت...».^۲ اما پس از بیست و سه سال ما شاهد تصویب قطعنامه شماره ۴۴/۱۲۸ مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۸۹ یعنی دومین پروتکل اختیاری میثاق حقوق مدنی و سیاسی برای لغو مجازات اعدام هستیم. این پروتکل هر چند اختیاری است، اما «با اعتقاد به اینکه لغو مجازات اعدام به بهبود حیثیت انسانی و توسعه پیشرو حقوق بشر کمک کرده و اینکه تمام تدابیر لغو مجازات اعدام باید به عنوان پیشرفتی در بهره مندی از حق حیات تلقی گردد»^۳ در بردارنده الزام و تعهد بین المللی کشورهای امضاکننده آن برای لغو مجازات اعدام برای تمام جرائم می باشد.

هم اکنون برخی از سازمان های بین المللی لغو مجازات اعدام را به عنوان یکی از شرایط عضویت در خود قرار داده اند که از آن جمله می توان به اتحادیه اروپا و شورای اروپا اشاره

^۱- ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸: «هر کس حق حیات، آزادی و امنیت شخصی دارد».

^۲- البته در ارتباط با چارچوب «مهمترین جنایات» بحثی وجود دارد مبنی بر اینکه واقعا کدام دسته از جرائم را شامل می شود. در این رابطه از خلال آرای کمیته حقوق بشر می توان تا حدی به تفسیری مبتنی بر نظر کمیته دست یافت. به طور خلاصه به نظر می رسد که از نظر کمیته تنها قتل عمد و یا ایراد صدمات شدید بدنی، مستوجب مجازات اعدام می باشد. آنچه در این مجموعه مورد بررسی قرار خواهد گرفت بحث لغو اعدام در مورد همین دایره محدود از جرائم می باشد. برای مطالعه بیش تر در این زمینه رک.

Joseph, Sarah, Schultz, Jenny and Castan, Melissa, *The International Covenant on Civil and Political Rights: cases, materials and commentary*, Oxford University Press, Second edition, 2005.

^۳- مقدمه پروتکل دوم اختیاری میثاق حقوق مدنی و سیاسی در مورد لغو مجازات اعدام، مصوب ۱۹۸۹.

نمود. همچنین سازمان های بین المللی غیردولتی فعال در زمینه حقوق بشر از جمله سازمان عفو بین الملل و دیده بان حقوق بشر از جمله سازمان هایی هستند که مجازات مرگ را به دلیل نقض کامل «حق حیات» و «منع مجازات های خشن و غیرانسانی»^۱ به عنوان حقوق غیر قابل نقض و مطلق بشری، مخالف موازین حقوق بشردانسته و خواستار لغو آن در تمام جهان می باشند.^۲

۲- ضرورت انجام تحقیق

به هرصورت، امروزه با گذشت بیش از پنجاه سال از پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر، هم اکنون تمایل عمومی در سطح جهان به سمت لغو جهانی مجازات مرگ روشن است. آمار نشان می دهد که در حال حاضر بیش از دو سوم کشورهای جهان یعنی حدود ۱۳۷ کشور در قانون و یا در عمل مجازات اعدام را لغو نموده اند؛ که از میان این تعداد ۹۲ کشور برای تمام جرائم، ۱۱ کشور برای جرائم عادی و ۳۴ کشور نیز در عمل مجازات اعدام را لغو نموده اند.^۳

لغو مجازات اعدام، به رغم وجود این آمار و رویه سازمان ملل متحد، سازمان های بین المللی و بسیاری از کشورها، همچنان بنا به دلایل متعدد محل مناقشه و تردید است. از یک سو، اعدام مهمترین عامل پیش گیری از جرم و خطراتی است که در آینده می تواند حیات انسان ها را تهدید کند؛ از این رو، در عالم واقع برخی کشورها به ویژه کشورهای پهناور به دلیل ترس از بالا رفتن میزان جرائم مستوجب مرگ بدان متوسل شده اند و از سوی دیگر، کشورهای اسلامی نیز مجازات اعدام و اعمال آن را بر مبنای احکام و شریعت اسلامی توجیه می کنند. این شواهد در کنار مبانی نظری موجود در این حوزه، نگارنده را برآن داشته است تا پژوهش خود را به این مقوله اختصاص دهد.

نظرسنجی در کشورهای اروپایی که مجازات اعدام در آنها رسماً لغو شده است نشان می دهد که علی رغم منع حقوقی اعدام، در مواقعی، بسیاری از مردم از مجازات اعدام دفاع می کنند. در واقع به همان قوتی که دلایل فلسفی، اجتماعی و کیفری برای نفی مجازات اعدام وجود دارد، دلایلی هم برای توجیه آن اقامه می شود؛ به ویژه هنگامی که بشر با جنایت های هولناکی

^۱- ماده ۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی: «هیچ کس را نمی توان مورد آزار و شکنجه یا مجازات ها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا تردیلی قرار داد...»

^۲ - Prokosch, Eric, *Human Rights V. the Death Penalty*, council of Europe, 1998, p 5.

^۳- *Death penalty: abolitionist and retentionist countries*, available at: <http://www.amnesty.org/en/death-penalty/abolitionist-and-retentionist-country>

مواجه می شود و خبرهایی چون ربودن و تجاوز به دهها کودک و کشتن آنها به فجیع ترین شکل و افکندن آنها در چاه و یا مواردی از این دست که حاکی از قساوت های باورنکردنی است را می شنود. اما از سوی دیگر بحثی که وجود دارد این است که، همان طور که تاریخ مجازات زندان نتوانسته است جرم را کاهش دهد، مجازات اعدام نیز پاک کردن صورت مسأله بوده و راه حل واقعی جرم و بزه نیست.

از همین رو به نظر می رسد که مسأله مجازات اعدام و یا لغو آن موضوعی نیست که به سادگی و سرعت بتوان درباره آن داوری نمود و همان طور که ذکر شد، هنوز چالش های بسیاری در این زمینه وجود دارد.

۳- سابقه تحقیق

هر چند در رابطه با بحث مجازات اعدام و لغو آن در کشورهای غربی کتاب، مقالات و تحقیقات فراوانی موجود است، اما در کشور ایران با توجه به بحث تعارضات موجود بین موضوع لغو اعدام و احکام شرع اسلام، طرح مسأله از سوی فعالین حقوق بشر و حتی حقوقدانان حساسیت برانگیز بوده و لذا کتب و تحقیقات موجود در این زمینه بسیار اندک و ناچیز می باشد.^۱

۴- سؤالات تحقیق

با توجه به مطالب مذکور سؤالات چندی در رابطه با امکان لغو یا ابقای مجازات اعدام مطرح است که این مجموعه در صدد پاسخ گویی به آنها می باشد.

ابتدا این سؤال اساسی در رابطه با مجازات مرگ مطرح است که آیا می توان مجازات اعدام را نقض کامل و مطلق حق حیات و در نتیجه در تضاد با موازین حقوق بشری دانست؟

همچنین سؤالات دیگری در این رابطه قابل طرح می باشد: آیا نقض مشروع حق حیات که از سوی موافقین این مجازات در جهت توجیه مجازات اعدام مطرح می شود، پذیرفتنی است؟

^۱ - تنها در این زمینه می توان به تلاش های آقای عمادالدین باقی اشاره کرد که از آن جمله می توان مقاله/ادغام و قصاص و کتاب حق حیات را از ایشان نام برد. همچنین حقوقدانان کیفری نیز با نگاهی کیفری و بشری به این مقوله پرداخته اند که از آن میان می توان به کتاب حقوق جزای بین الملل دکتر میر محمد صادقی که بخشی قابل توجه از این کتاب را به این مقوله اختصاص داده است و همچنین به کتاب مجازات اعدام آقای شمس الدین امیر علایی اشاره نمود.

آیا سلب حق حیات فرد به منظور جلوگیری از سلب حق حیات عده بیش تری از افراد قابل توجیه است؟

آیا اعدام را می توان با شکنجه و برده داری مقایسه کرده و لغو آن را به مانند این دو در آینده ای نزدیک به مثابه یک قاعده شناخته شده بین المللی و حتی قاعده آمره در نظر گرفت؟ با توجه به اینکه کشورهای اسلامی مصرأ مجازات اعدام را اجرا می کنند و لغو آن را مغایر موازین و احکام اسلام می دانند و حتی به اجرای مجازات مرگ در محدوده ای فراتر از محدوده ای که میثاق حقوق مدنی و سیاسی برای اعمال این مجازات در نظر گرفته است (یعنی تنها شدیدترین جرائم) می پردازند؛ آیا لغو اعدام در اسلام و در شریعت اسلامی به طور مطلق امکان پذیر نیست؟

۵- فرضیات تحقیق

فرض نگارنده در خصوص این پرسشها آنست که به هر حال مجازات اعدام به نوعی می تواند ناقض حق حیات بشری و مغایر موازین حقوق بشر در نظر گرفته شود و رویه ای که کشورهای جهان با سرعت در لغو اعدام پیش گرفته اند، این ادعا را که لغو این مجازات در آینده ای نزدیک بتواند به مثابه یک قاعده آمره بین المللی در نظر گرفته شود، موجه و تقویت می کند. اما هنوز در برخی از کشورها از جمله کشورهای اسلامی این امر نیازمند زمانی نسبتاً زیاد خواهد بود.

۶- روش تحقیق

به هر صورت به نظر می رسد پاسخ گویی به این سؤالات و پذیرش یا عدم پذیرش پاسخ های بالا نیازمند مطالعه و تعمقی بسیار در این رابطه است که این رساله از طریق اتخاذ یک روش « اسنادی- میدانی» در صدد انجام چنین امری خواهد بود. در واقع در این پژوهش علاوه بر بکار گیری روش اسنادی، روش میدانی نیز در جهت شفاف تر شدن مسأله و مواضع حقوقدانان - علی الخصوص حقوقدانان داخل کشور به عنوان یکی از کشورهای اجرا کننده اعدام در سطح جهان- مورد استفاده قرار گرفته است؛ زیرا اتخاذ روش اسنادی به تنهایی برای فهم همه جانبه از موضوع - علی الخصوص بنا به دلایلی که در مورد کمبود منابع در کشور در بالا

ذکر گردید - کافی نبوده و اتخاذ روش میدانی در کنار روش اسنادی، علاوه بر اینکه امکان دستیابی به مطالبی را که در هیچ کجا به صورت مکتوب منعکس نشده است را فراهم می نماید، در جهت درک صحیح از مسأله و پربارتر نمودن تحقیق نیز مؤثر و مفید خواهد بود.

۷- سازماندهی تحقیق

در این زمینه اندیشمندان غربی و شرقی- با تأکید بر اندیشمندان مسلمان- له و علیه مجازات اعدام نظریات مستدلی را بیان داشته اند که فحص و بحث در آنها می تواند بسیاری از مواضع مبهم و تاریک را برای ما روشن سازد و همچنین بنا به دلایل مذکور در بالا مبنی بر کمبود منابع و تحقیقات در زمینه امکان لغو مجازات مرگ در شریعت اسلامی لذا نگارنده بر آن است که قسمت عمده ای از پژوهش خود را به این مقوله اختصاص دهد. در عین حال، کشورهای مختلف نیز با توجه به پیشینه فرهنگی، اجتماعی، دینی و سیاسی خود رویکردهای متفاوتی را در مواجهه با این مجازات اتخاذ کرده اند؛ لذا به جهت اینکه در این رساله بررسی لغو مجازات اعدام تنها در ذهن اندیشمندان باقی نماند و مسأله به صورت عینی و کاربردی مطرح گردد، به بررسی چگونگی لغو اعدام در این کشورها و به خصوص در کشورهای پیشرو در لغو این مجازات پرداخته می شود. همچنین در این قسمت می توانیم بیش از پیش در مورد مواضع و تجربیات آنها در این رابطه، آگاه و مطلع نشویم.

به این ترتیب نگارنده با رویکردی «توصیفی، تحلیلی» و طی دو بخش؛ در ابتدا به بررسی مجازات اعدام با توجه به مبانی حقوق بشر می پردازد و در این راستا مطالعه عقاید و آراء اندیشمندان غربی و شرقی به خصوص مسلمان را از نظر دور نداشته است و سپس با عنایت به عملکرد کشورهای پیش گام در لغو مجازات مرگ، برآن است که مجالی برای طرح آرای جدید و آشنایی بیش تر و مؤثرتر با ایده های مختلف به دست دهد.

بخش اول:

بررسی دیدگاه اندیشمندان

در مورد مجازات اعدام

در راستای بحث در مورد مجازات مرگ، اندیشمندان غربی و شرقی اعم از فیلسوفان و حقوقدانان له و علیه مجازات اعدام به بحث و ارائه نظر و دیدگاه های خویش پرداخته اند؛ که به نظر می رسد تبیین و بررسی این دیدگاه ها در روشن تر شدن بحث راجع به مجازات اعدام و اتخاذ تصمیم در رابطه با لغو یا ابقای این مجازات تأثیر بسزایی داشته باشد. لذاست که این بخش از این مجموعه به بررسی دیدگاههای اندیشمندان غربی و شرقی اختصاص داده شده است. آنچه در ارتباط با اندیشمندان غربی مطرح است آشنایی با برخی از دیدگاه هایی است که در مغرب زمین به عنوان منطقه ای که هم اکنون از پیشروان لغو مجازات مرگ محسوب می شود، می باشد. البته در این رابطه هم به دیدگاه های مخالف اعدام و هم به دیدگاه های موافق اعدام پرداخته خواهد شد.

اما در میان اندیشمندان شرقی آنچه تمرکز این مجموعه بر آن است، بیان و بررسی دیدگاه های اندیشمندان مسلمان می باشد. همان طور که ذکر شد در حال حاضر بیش از صد کشور در جهان مجازات اعدام را لغو نموده اند و این روند همچنان نیز با سرعت ادامه دارد. اما کشورهای اسلامی از جمله کشورهای هستند که مصرا به اجرای این مجازات ادامه می دهند و معتقد به مغایرت لغو این مجازات با احکام و موازین اسلامی هستند، لذا در این مجموعه سعی بر آن شده است تا دیدگاه های اندیشمندان مسلمان چه مخالف و چه موافق نیز در زمینه این مجازات مورد بررسی قرار گیرد تا بحث در ارتباط با امکان لغو یا ابقای مجازات مرگ در جهان اسلام روشن تر گردد.

فصل اول: بررسی دیدگاه اندیشمندان غربی

در عصر حاضر تقریباً تمام کشورهای غربی به جز ایالات متحده آمریکا مجازات اعدام را لغو نموده اند. قاطعیت این کشورها در غیرانسانی و خشن دانستن مجازات مرگ و سرعت آنها در لغو مجازات مرگ در بدو امر شاید این نکته را القا کند که گویی از زمان های طولانی سرمداران و اندیشمندان در این کشورها با مجازات اعدام مخالف بوده اند و همواره در طول تاریخ آنها مجازات اعدام، مجازاتی نکوهیده و نادرست تلقی می شده است. همان طور که در بخش آینده به تفصیل شرح داده خواهد شد، مشاهده می کنیم که در این کشورها نیز به مثابه تمام کشورهای جهان مجازات اعدام به عنوان یکی از مهم ترین و اساسی ترین کیفرها تلقی می شده است. در میان اندیشمندان غربی، موافقین و مخالفین استدلال های قوی را برای اثبات مدعی خود مبنی بر سودمند یا بیهوده بودن این مجازات ارائه داده اند. پس از شکوفایی حقوق بشر و آغاز زمان گسترش این بحث و مطرح شدن موضوع منزلت انسانی و در وهله اول احترام به حق حیات انسان، بحث مجازات اعدام در میان اندیشمندان داغ تر شده و عده زیادی در صدد پیشرفت نهضت لغو این مجازات در جهت حمایت هر چه بیش تر از حق حیات بشری برآمدند. اما پیش از این دوره نیز اندیشمندانی در باب این کیفر بحث ها و استدلالاتی را مطرح نموده اند که هر کدام در جای خود قابل تأمل و توجه می باشد.

لذا در این فصل به بیان و بررسی دیدگاه های یکی از موافقین و یکی از مخالفین این کیفر در میان اندیشمندان غربی پرداخته شده است تا بدانیم استدلالات اندیشمندان به خصوص پیش از نهضت حقوق بشر در رابطه با این مجازات چگونه بوده است. در میان مخالفین مجازات مرگ که به هر صورت نوآوری بیش تری نسبت به موافقین این مجازات داشته اند، شاید یکی از علل روی آوردن آنها به مجازات ملایم تر را بتوان بحث انگیزه و هدف مجازات ها دانست. البته این بدان معنا نیست که اگر کسی هدفی انسانی از مجازات دارد پس مجازات هم انسانی خواهد بود؛ مانند اربابان کلیسا قبل از رنسانس، ولی به هر حال به نظر می رسد به دلیل همین رابطه موجود بین هدف مجازات و شکل و شیوه اجرای آن بوده که اندیشمندانی چون منتسکیو و بکاریا با کیفرهای خشن به مخالفت برخاستند. لذا در این فصل ابتدا به طرح و بررسی دیدگاه بکاریا به عنوان نخستین مخالف جدی مجازات مرگ پرداخته و سپس به بررسی دیدگاه ژان ژاک روسو به عنوان یکی از اندیشمندان غربی که موافق مجازات مرگ بوده و استدلالاتی قابل توجهی را در این رابطه مطرح نموده است، خواهیم پرداخت.

لازم به ذکر است که علت انتخاب سزار بکاریا جهت بررسی دیدگاهش در رابطه با مجازات اعدام، آن است که او نخستین کسی بود که درباره ی لغو مجازات اعدام قلمفرسایی نمود و به عبارت دیگر هیچ کس قبل از بکاریا اعتبار مجازات مرگ را زیرسؤال نبرده بود و لغو آن را پیشنهاد نداده بود و اولین کسی است که در باب مجازات ها در حقوق کیفری دارای نوگرایی است؛ لذا جنبش مدرن لغو اعدام کار خود را با او استقرار می بخشد.

همچنین انتخاب روسو به عنوان یکی از اندیشمندان موافق اعدام به این جهت بوده که همان طور که می دانیم مفهوم مرکزی اندیشه روسو آزادی است و لذا در برخی از عقاید او شاهد فردگرایی هستیم اما در دیدگاهش در باب مجازات مرگ جمع گرایی مطلق در عقایدش موج می زند. او اندیشمندی است که در عین فردگرایی یک جمع گراست و از این باب، دیدگاهش در زمینه اعدام قابل توجه به نظر می رسد.

مبحث اول: اندیشمندان مخالف اعدام

هر چند پیش از بکاریا نیز اندیشمندان دیگری از جمله منتسکیو در زمینه مجازات اعدام و اعمال محدودیت در اجرای این مجازات صحبت نموده بودند اما واقعیت آنست که بکاریا نخستین مخالف صریح اعدام بود. در این قسمت به بیان و بررسی دیدگاه های او در باب مجازات مرگ می پردازیم.

چزار بون سانا بکاریا^۱ در ۱۵ مارس ۱۷۳۸ در میلان (ایتالیا) چشم به جهان گشود. وی ابتدا نزد فرقه ای کاتولیک به نام ژزوئیت (یسوعی) درس می خواند. وی در سال ۱۷۵۸ موفق به اخذ درجه دکتری حقوق از دانشگاه پاوی^۲ گردید. احساسات پر شور و روح حساس، خیلی زود استقلال طبع و آزاد اندیشی را در او بیدار نمود و او را به مطالعه در آثار فیلسوفان هم عصر خویش برانگیخت. در سال ۱۷۶۰ بود که پس از ازدواج با برادران وری به نام های پیتر و الکساندرو^۳ آشنا شد. در همین سال ها بکاریا با همکاری برادران وری، انجمن ادبی، فلسفی و سیاسی مشتها را بنا نهاد، که بعدها همان طور که واسالی^۴ می نویسد در تاریخ فرهنگ ایتالیا یکی از نخستین نشانه های رنسانس مدنی و اخلاقی آن کشور قبل از انقلاب بود. پس از آن در سال

^۱- Cesare Bonsana Beccaria

^۲. Pavie تنها دانشگاه استان لومباردی در ایتالیا

^۳-Pietro, Alessandro Verri

^۴. G. Vassali استاد ایتالیایی حقوق کیفری

۱۷۶۳ بنا به توصیه های برادران وری ، بکاریا شروع به نگارش کتابی در زمینه ی کاربرد اندیشه های فلسفه ی عصر «روشنگری» (سده ی هجدهم) در حقوق کیفری نمود. بعد از چندین ماه تلاش فراوان ، کتاب کوچکی تحت عنوان «جرائم و مجازات ها» در لیورن^۱ منتشر گردید. در آن زمان این کتاب به صورت گمنام و بی نام و نشان انتشار یافت؛ زیرا بکاریا از اذیت و آزاری که ممکن بود به سبب آهنگ بسیار نو گرای مطالب کتابش بروز کند، می ترسید. اما در ۱۷۶۶ با ترجمه ی کتاب به وسیله ی کشیش فرانسوی «مورله» به زبان فرانسوی و انتشار آن تحت عنوان «رساله ی جرائم و مجازات ها» وضعیت این کتاب روشن شد. پس از آن شهرت بکاریا جهانی شد. به دنبال ترجمه ی رساله به فرانسه ، بکاریا به پاریس دعوت شد. از طرف کاترین دوم^۲ هدایایی برای او فرستاده شد، اما او نپذیرفت. بکاریا در میلان باقی ماند و دولت اتریش به او در همان شهر کرسی استادی اقتصاد سیاسی داد. به دنبال این انتصاب بکاریا نگارش کتاب دیگری به نام «ارکان اقتصاد عمومی» را آغاز نمود که با مرگ وی در سال ۱۷۹۴ ناتمام ماند.^۳

بکاریا می دانست موضوعات جدیدی را که در رساله جرائم و مجازات ها عنوان می کند بی چالش باقی نخواهد ماند و ممکن است دشمنان قدرتمندی برایش ایجاد شوند؛ اما او در دیباچه کتابش می گوید: «اگر در دفاع از حقوق بشر^۴ و در دفاع از حقیقت به نجات جان یک قربانی از عذاب مرگ کمک کنم، گریه و دعای همان یک فرد بی گناه، من را در برابر سرزنش تمام بشریت تسلی خواهد داد»^۵.

گفتار اول: اندیشه بکاریا در باب کیفرها

در ابتدا نکر این نکته لازم است که ذهن بکاریا تنها متوجه اندیشه های کلی است و از واقعیت های ریز و جزئی روزمره دور می باشد و ویژگی محقرانه ی کتاب به لحاظ شکلی نیز ناشی از همین موضوع است. مسأله دیگر در ارتباط با انبوه قوانین زمان بکاریا است که ناهمگون، بی نهایت، غیرعادلانه و در اوج شدت بودند و بکاریا آن ها را کلا رد می کرد. بکاریا که شیفته فلسفه

^۱ Livourne یکی از شهرهای استان توسکان ایتالیا

^۲ Catherine II - ملکه ی روسیه بین سال های ۱۷۶۲ تا ۱۷۹۶.

^۳ پرادل، ژان، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه: علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ اول، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، ۱۳۸۱، صفحه ۳۷. بکاریا، سزار، رساله ی جرائم و مجازات ها، ترجمه: محمد علی اردبیلی، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۰، صفحه ۴.

^۴ - right of man

^۵ - منبع پیشین، صفحه ۷.

روشنگری شده بود، می خواست آموزه ی نویسندگان (دانشمندان) دایره المعارف^۱ را در حقوق کیفری به اجرا در آورد و در نتیجه مفهوم نوینی را در این رشته که بر اساس عقل باشد پیشنهاد نماید. در نتیجه ی کاربرد این شیوه، بکاریا به مطالعه و بررسی کل حقوق کیفری سوق داده شد و به همین لحاظ است که نو آور محسوب می شود؛ زیرا پیشینیان وی حقوق کیفری را تنها به صورت فرعی و تصادفی در چارچوب یک کتاب فلسفی یا یک اثر ادبی یا مذهبی مطرح کرده بودند.^۲

بکاریا در حقوق کیفری به سه اصل اعتقاد داشت: ۱- اصل قانونمندی ۲- اصل کمی جرائم ۳- اصل سودمندی مجازات ها.

۱- اصل قانونمندی؛ بکاریا بی شک نخستین نویسنده ای است که این اندیشه را که حقوق کیفری بر قانون بنا می گردد، پرورانده است. به نظر او قانون سدی در مقابل خودکامگی قاضی است. البته مونتسکیو اندیشه ی مزبور را قبلا بیان کرده بود، اما بکاریا آن را بسط و عمومیت داده و اینکه این اصل هم در جرائم و هم در مجازات ها و هم در آیین دادرسی حاکم خواهد بود. ۲- اصل کمی جرائم؛ این اصل دوم مانند اصل اول از قرارداد اجتماعی ناشی می شود. شهروندانی که با ورود به جامعه از بخشی از آزادی های خود چشم پوشی کرده اند هدفشان تنها واگذاری کوچکترین قسمت از حقوق خود به قدرت عمومی بوده است. از نظر بکاریا تنها رفتاری که هم به منافع جامعه صدمه زند و هم به قاعده ی اخلاقی، از نظر جزائی قابل تنبیه است. بنابر این جرائم را در سه دسته طبقه بندی می نماید:

دسته اول جرائمی که برای جامعه بسیار خطرناکند و جنایت علیه حکومت محسوب می شوند؛ زیرا نفع عمومی و پیمان اجتماعی را نیز به خطر می اندازند. دسته دوم جرائم علیه اشخاص که شامل سوء قصد علیه جان، ناموس و مال شهروندان می شود. دسته سوم مرکب از جرائم علیه آسایش همگانی، مشاجرات، هیاهوی افرادی که در کوچه و بازار به زد و خورد با یکدیگر می پردازند.

۳- اصل سودمندی مجازات ها؛ بی شک کیفر شناسی محور اصلی کتاب بکاریا را تشکیل می دهد. اندیشه اساسی بکاریا در این خلاصه می شود که کیفر باید فایده ای در بر داشته باشد. در مورد مجازات غالبا از «ضرورت» یا «سودمندی همگانی» سخن می راند و دقیقا بر این باور

^۱ - دایره المعارف فرانسه تحت نظارت دیدرو Diderot و دالامبر d'Alembert و با شرکت دانشمندان رشته های مختلف بین سال های ۱۷۵۱ و ۱۷۷۲ تهیه گردید و هدف آن شناساندن پیشرفت های دانش و اندیشه در تمام زمینه ها بود. مونتسکیو، ولتر و روسو از جمله اندیشمندانی بودند که در نگارش دایره المعارف شرکت داشتند.

^۲ - پرادل، ژان، همان، ص ۴۰.

است که «تنها هدف مجازات‌ها بازداشتن بزهکار از صدمه رسانیدن به جامعه در آینده و بازگرداندن سایر شهروندان از رفتن به راه تبهکاری است». به عبارت دیگر، هدف کیفر بیش‌تر باید پیشگیری باشد تا تنبیه. او بر این عقیده است که کیفر باید پایدارترین اثر را بر ذهن مردم و کمترین اثر درد را بر جسم بزهکار داشته باشد. در واقع بکاریا معتقد است برای اینکه مجازات موثر واقع شود باید هم شدید و هم قطعی باشد؛ اما برای شدت حدود و میزانی قائل است. او می‌گوید: «کافی است رنجی که تحمیل می‌شود بیش‌تر از سودی باشد که نصیب بزهکار می‌گردد» و نیز «اندازه‌ی مجازات باید تابع زیانی باشد که به جامعه وارد شده است». اما در عین حال معتقد است که این شدت مجازات نیست که با اطمینان بسیار از ارتکاب جرائم پیشگیری می‌کند، بلکه قطعیت اجرای آن چنین نقشی را ایفا می‌نماید. از همین رو بکاریا عفو را که امید فرار از کیفر را در دل بزهکار ایجاد می‌کند، محل تردید قرار می‌دهد.^۱

گفتار دوم: دیدگاه بکاریا در مورد کیفر اعدام

بکاریا کیفر مرگ را در گروه مجزایی جای داده و یک فصل از رساله‌ی خود را که طولانی‌ترین فصل کتاب نیز هست، به آن اختصاص داده است. او در آغاز با این جمله شروع می‌کند: «فزونی بیهوده‌ی کیفرهای رنج آور که هرگز آدمیان را بهتر نگردانده است، مرا به این تحقیق برانگیخت که دریا بام آیا در حکومتی که به خوبی سازمان یافته، کیفر اعدام سودمند و عادلانه است؟ این چه حقی است که انسان‌ها را قادر می‌سازد ممنوع خود را گردن بزنند؟». با این جمله گویی بکاریا معترضی سرسخت و مخالف شدید مجازات مرگ می‌باشد. سپس بکاریا این گونه ادامه می‌دهد که «حاکمیت و قوانین تنها مجموع کمترین سهم از آزادی هر یک از شهروندان و مظهر اراده‌ی همگان است که از الحاق اراده‌ی افراد پدید آمده است». این مطلب که برتری دولت در نتیجه‌ی چشم‌پوشی هر فرد از سهم خود از آزادی است به فرصیه‌های جان‌لاک، فیلسوف انگلیسی برمی‌گردد. پس از آن بکاریا به این امر می‌پردازد که «وقتی انسان اختیار گسستن رشته‌ی حیات خود را ندارد چگونه می‌تواند چنین اختیاری را به دیگری و یا به تمام جامعه واگذار کند؟». به رغم اینکه نظریه‌ی بکاریا به خصوص درباره‌ی مبنای مجازات‌ها در راستاراست عقاید فلسفی روسو قرار دارد، اما در اینجا نظریه‌ی بکاریا با روسو همسو نیست.

^۱ - بکاریا، سزار، همان، ص ۶۵.